

دکتر یونس فرهمند

استاد یار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

farahmand@tpf-iau.ir

جَنی زَهْرَةُ الْأَس فی بناءِ مَدینةِ فاس^۱: پژوهشی در تاریخنگاری محلی مغرب اسلامی

چکیده:

ابوالحسن علی جزنائی، از مشاهیر مورخ مغربی دربار مرینیان است که با نگارش کتاب جَنی زَهْرَةُ الْأَس فی بناءِ مَدینةِ فاس یکی از مهمترین نوشته های تاریخ محلی فاس را پدید آورد. این پژوهش به بررسی و تحلیل مطالب، شیوه تدوین، اسلوب نگارش و منابع مورد استفاده جزنائی در این کتاب پرداخته و سرانجام این اثر را با دیگر تاریخ محلی فاس به نام الانیسُ الْمُطْرِبُ بروض القرطاس فی اخبار ملوک المَغْرِب و تاریخ مَدینةِ فاس مقایسه می کند. نتیجه حاصل از این تطبیق آن است که به رغم اشمال کتاب بر مطالبی منحصر به فرد از اوضاع فرهنگی و تمدنی فاس در دوره موحدان و مرینیان، باید آن را از جمله نوشته های تاریخ محلی فاس دانست که به شیوه موضوعی و با اسلوبی روان و با انگیزه تقدیم به ممدوح خود، وزیربابانی، به نگارش درآمده است. و از این رو اهمیتی بایسته دارد که نویسندگان بسیاری از منابع تاریخ فاس را که امروزه در دسترس نیست، در اختیار داشته است.

کلید واژه:

جزنائی، جَنی زَهْرَةُ الْأَس، تاریخنگاری محلی، مغرب اسلامی، مرینیان، شمال آفریقا.

مقدمه

دورهٔ طلایی حکومت مرینیان (حک: ۶۲۳-۹۶۳ ق) به ویژه در مقایسه با دولت‌های متقارن و همجوار آنان چون حفصیان (حک: ۶۲۷-۹۸۲ ق) و زینانیان (حک: ۶۳۳-۹۶۲ ق) را می‌توان اوج رواج فرهنگ عربی اسلامی در مغرب دانست که تاریخ و تاریخ‌نگاری همواره در آن نقشی برجسته داشت. و فاس پایتخت مرینیان برای نخستین بار آن همه شکوه و عظمت به خود دید^۲ و توانست به مثابه موضوعی مهم، توجه دانشمندان بسیاری را به خود جلب کند. ابوالحسن علی جزنائی از جمله دانشورانی بود که به شهر فاس و به ویژه پیدایش آن اهمیت بسیار داد و با تألیف کتاب جنی زهره الأَس فی بناء مدینه فاس در نیمهٔ دوم قرن هشتم اثری درخور در تاریخ این شهر پدید آورد. چنانکه پیش از او در نیمهٔ اول این قرن، ابن ابی زرع بدین موضوع اهتمام ورزیده بود.

دانش خاورشناسی نخستین بار از طریق ألفرد بل به یکی از معدود نسخه‌های خطی کتاب که در کتابخانه شخصی محمد العبادی بود، دست یافت.^۳ بل دو تن از دوستان خود در دانشگاه قرویین را مأمور استنساخ کتاب کرد و در سال ۱۹۲۲ م متن بسیار ناقص و مغلوط خود را که سرشار از تصحیف، تحریف و تحذیف بود^۴ در ۸۶ صفحه در چاپخانه کاربونیل الجزایر منتشر کرد و یک سال بعد به ترجمهٔ فرانسه کتاب مبادرت ورزید.^۵

متأسفانه از زندگی جزنائی نیز همچون سلفش ابن ابی زرع اطلاعات چندانی نداریم؛ اما برخلاف شخص اخیر که در انتساب کتاب به او تردیدها فراوان بود، در تعلق این کتاب به جزنائی هیچ تردیدی نیست. بررسی دقیق مطالب کتاب در دستیابی به تصویری اجمالی، اما روشن از حیات او برای محققان امروزی راهگشا تواند بود.

جزنائی چنان که از نام او پیداست، به قبیلهٔ کزنایهٔ زنانه ساکن در ریف نسب می‌برد.^۶ از زمان انتقال او با خاندانش به فاس اطلاعی در دست نیست؛ اما به درستی می‌دانیم که جزنائی‌ها از دیرباز در امور سیاسی و حکومتی مغرب به ویژه فاس شهره بوده‌اند. ابن عذاری در سال ۴۵۹ ق از ورود ابراهیم بن ملیح جزنائی در فاس و وفات یوسف جزنائی والی مکناسه در ۴۱۳ ق خبر داده است.^۷

از مقدمه کتاب چنین برمی آید که مؤلف به امور حکومتی اشتغال داشته و یا دست کم با آن آشنا بوده است.^۸ عبدالوهاب بن منصور، پژوهشگر مغربی، وی را از عدول فاس دانسته که یا در مساجد به امور دینی اشتغال داشته و یا بر اوقاف نظارت می کرده است.^۹

معرفی و نقد و بررسی کتاب جنی زهره ...

مقدمه کتاب طبق معمول با حمد خدا و درود بر پیامبر و یارانش آغاز شده و سپس برای استمرار وزارت ابومحمد عمر بن عبدالله یابانی^{۱۰} به دعا پرداخته است. شناخت وزیر یابانی و اوضاعی که مؤلف در آن دست به نگارش کتاب زده است، به شناخت بیشتر مؤلف و ارزیابی اثرش کمک خواهد کرد.

اوضاع مغرب پس از درگذشت ابوالحسن و ابوعنان مرینی یکباره در هم آشفت و وزرا با هدف دستیابی به قدرت با یکدیگر به رقابت برخاستند؛ یابانی از جمله این وزرا بود که پس از منازعاتی توانست در سال ۷۶۱ ق در پناه امرای خردسال مرینی بر اریکه سلطنت این خاندان تکیه زند.^{۱۱} کشمکش وزرا، استبداد مطلقه و نارضایی عمومی از ویژگی های عمده این دوره بود که وزیر یابانی از همه بیشتر در دامن زدن به آنها نقش داشت و از این رو پس از شش سال وزارت مطلقه، در ۷۶۷ ق به دستور عبدالعزیز مرینی کشته شد.^{۱۲} با این وصف، شگفتی ندارد که مؤلف از بیم جان و نان، هدف از نگارش کتاب را خدمت به وزیر یابانی^{۱۳} و تهیه ابزاری مفید برای دستیابی طلاب به این گونه مطالب دانسته باشد.^{۱۴} مقدمه کتاب که سرشار از مدح و تمجید ادیبانه و غلوآمیز مؤلف از وزیر مستبد است^{۱۵}، موجب وهن تواریخ محلی این دوره می تواند باشد و برخلاف نظر شاتر میلر که برپایه نسخه ناقص و فاقد مقدمه بل، جزنانی را از معدود مورخان دانسته که با دربار پیوستگی نداشته و ممدوحش را نستوده^{۱۶}، معتقدیم که وی را باید از سرآمدان تاریخ نگاران محلی مرعوب قدرت سیاسی روز بدانیم. خوشبختانه ستایش های غلوآمیز

مؤلف از وزیر در جای‌جای کتاب بر محتوای آن تأثیری ننهاده است؛ زیرا موضوع کتاب و بیان مفاخر ممدوح او باهم منطبق نیست.

ابواب کتاب که از نظر حجم تقریباً باهم برابرند عبارتند از :

۱. ذکر آنچه ادرسیان حسنی ساخته‌اند و روایاتی که از پیشوایان گذشته در باب آنها و ساکنان فاس به ما رسیده است.^{۱۷}

۲. کسانی که باروهای شهر را ساخته و آن را تکمیل کرده و نیز جامع قرویین و اندلسیین، خانه‌ها، آسیاب‌ها و حمام‌های منتهی بدان.^{۱۸}

جزئیاتی در باب اول به اختصار از فضائل فاس، جغرافیا، ورود بربران به مغرب و فتوحات اسلامی در آن سرزمین یاد کرده^{۱۹} و سپس به اصل موضوع یعنی ادرسیان و بنای فاس پرداخته و در این زمینه آشکارا به خطط نگاری نزدیک شده است.^{۲۰} این مطالب برای پژوهشگران جغرافیای تاریخی فاس بسیار سودمند خواهد بود. مؤلف ادرسیان و علویان را ستایش می‌کند^{۲۱} و در اثبات انتساب مرینیان به علویان سخت می‌کوشد.^{۲۲} وصف مبالغه‌آمیز امرای مرینی اگرچه با موضوع مورد بحث مستقیماً ارتباط ندارد؛ اما مؤلف مکرر در جای‌جای کتاب به آن پرداخته^{۲۳} و سرانجام این که باب نخست را با سخن از کشاورزی، صنایع و معادن، آب و هوا و رودهای شهر فاس به پایان برده است.^{۲۴}

باب دوم با درگیری‌های مغراوه و تأثیرات آنها بر شهرسازی فاس آغاز شده و در ادامه وصف پل‌ها ۲۵ و دروازه‌های شهر آمده است.^{۲۵}

ملاحظات مؤلف در توصیف دقیق جامع قرویین و اندلسیین، مصالح ساختمان، جلوه‌های هنری و قندیل‌های آن^{۲۷}، وضوخانه^{۲۸} و کتیبه‌ها موجب شگفتی است. او قسمت‌های مختلف جامع قرویین را جزء به جزء تشریح کرده و سپس به خطیبان و امامان مساجد اشاره می‌کند. این بخش از کتاب، مطالب بسیار مهم اما پراکنده‌ای در تاریخ فرهنگی دارد که می‌توان با استفاده از آن بر نقش آموزشی مساجد^{۲۹} در مغرب و استمرار آن تا قرن هشتم هجری روشن افکند.

از نوشته‌های مؤلف می‌توان دانست که وی از جمله دانشوران عادی روزگار خویش بوده و با شعرا و ادبای آن عصر مصاحبت داشته و گاه خود نیز شعر می‌سروده است.^{۳۰} این معنا، یعنی مصاحبت با ادبای زمان خود، از آنجا فهمیده می‌شود که از اسماعیل بن احمد^{۳۱}، ابن اجروم و محمدالماجری^{۳۲} و بسیاری دیگر از شعرای عصر خود با عنوان «صاحبنا» یاد می‌کند؛ در فقه نیز می‌توان برای او جایگاهی قائل شد. وی گذشته از مصاحبت با فقها^{۳۳}، در باب آراء آنها به داوری می‌نشیند و آنها را نقد می‌کند^{۳۴}؛ با این همه نه در فقه و نه در ادب مقامی شامخ نداشته است و شاید از همین روست که خود را «اهل تألیف و تصنیف» ندانسته و اضافه کرده که تنها ناقل گفته‌های دیگران است.^{۳۵}

نشانه‌های شتابزدگی و کوشش در اتمام زود هنگام در باب دوم کتاب مشهود است و برخلاف جامع القرویین که به تفصیل به آن پرداخته شده^{۳۶}، جامع الاندلسیین را بسیار مختصر به پایان آورده است^{۳۷}؛ چنانکه پیش از این اشاره شد، احتمالاً قتل نابهنگام ممدوح نویسنده، وزیر یابانی، و روی کار آمدن مخالفان وی از دلایل اتمام زود هنگام کتاب بوده باشد؛ این احتمال زمانی قوت می‌گیرد که آخرین تاریخ ذکر شده در کتاب، یعنی سال ۷۶۶ ق^{۳۸}، با سال قتل یابانی (حدود ۷۶۷ ق) تقریباً موافق است. با پذیرش احتمال فوق می‌توان بی‌توجهی جزئیاتی به بسیاری از آثار و ابنیه مهم مرینیان چون مدارس عطارین، رخام، متوکلیه عنانیه و صهریج را که مایه شگفتی مصحح متن عربی کتاب شده، دریافت و آن را موجه دانست.^{۳۹}

شیوه تدوین کتاب

جزئیاتی در کتاب خود بر پایه موضوع فاس، روایات مربوط به تأسیس و تطور این شهر و جوامع آن را به همراه پاره‌ای استطرادات که از فایده تاریخی خالی نیست، درآمیخته است؛ کتاب هر چند سالشمار نیست اما به ترتیب و تسلسل وقوع حوادث اهمیت بسیار می‌دهد و غالباً به ذکر دقیق روز و ماه و سال عنایت دارد.^{۴۰}

جَنی زهره الأَس، چنانکه پس از این خواهد آمد، اثری است نقلی که داوری در باب روایات اغلب در آن جایگاهی ندارد و هم از این جهت است که جزئانی در برخی موارد به افسانه سرایی و اسطوره‌پردازی روی آورده است.^{۴۱}

اسلوب نگارش کتاب

جَنی زهره الأَس در درجه نخست تاریخ محلی فاس است؛ اما علاقه وافر مؤلف به ادب موجب گردیده تا در ضمن آن به ابیات بسیار و پاره‌ای از امثال و حکم مشهور آن دوره استشهاد کند. اهمیت این موضوع در آن است که بسیاری از متون ادبی و شعری مربوط به معاصران او تنها از این رهگذر توانسته مجال بقا یابد؛ محمد بن عبدالرحمن، ابوزید عبدالرحمن ملیلی، ابوالعباس احمد دباغ، ابوالعلاء ادریس بن رشید، عبیدالرحمن الزيتونی و ... شعرا و ادیبانی هستند که پاره‌ای از اشعار آنان به وسیله جزئانی صورت بقا یافته است.^{۴۲} اما مطالب کتاب و نیز دیگر منابع ادبی تاریخ عصر مرینی برای شناسایی و بررسی احوال این شعرا، چندان راهگشا نیست^{۴۳} و مؤلف در این باب جز نام آنان و نقل برخی از اشعارشان، اطلاع دیگری به دست نمی‌دهد.

چنانکه اشاره شد مؤلف از ادبای روزگار خویش بوده است و این معنا نه فقط از آن رو پیداست که وی برخی از مشاهیر شعرای دربار مرینی را در ردیف دوستان و نزدیکان خود معرفی کرده^{۴۴}، بلکه به تناسب در دو جای کتاب به ذکر اشعار خود می‌پردازد^{۴۵}؛ اما این اشعار بیش از آن که بر مقام و منزلت ادبی او مهر تأیید زند، به گفته ابن تاویت از به تکلف افتادن شاعر در به نظم آوردن آنها حکایت دارد.^{۴۶}

نثر او کمی پیراسته‌تر از معاصرانش است و تا حدودی خود را از قید صنایع لفظی و ادبی متکلفانه این عصر رها نموده^{۴۷}، با این حال در ادب به او جایگاهی میانه داده‌اند.^{۴۸}

منابع

جزنائی مردی روایتگر است و جز پاره‌ای از اطلاعات که حاصل مشاهدات اوست، باقی کتاب روایات و مقولانی است که او از پیشینیان اخذ کرده است. از مطالعه کتاب می‌توان دانست که عرصه استفاده او از منابع در مقایسه با ابن ابی زرع بسیار گسترده‌تر است و برخلاف وی، جزنائی به دقت از منابع خود نام می‌برد. اگر از شماری منابع غیرمرتبط با تاریخ محلی فاس که در گفتگو از جغرافیای مغرب، فتوحات و ضرب‌المثل‌ها از آنها بهره گرفته، درگذریم^{۴۹}، هنر وی در بهره‌گیری از منابع مهم تاریخ فاس ستودنی است؛ او اشتباهات ابن ابی‌زرع را در باب قیام فح و چگونگی ورود ادرسیان به مغرب را با اتکاء به تاریخ طبری رفع کرده^{۵۰} و ظاهراً به مهمترین نوشته‌های مربوط به تاریخ محلی مغرب خاصه فاس مراجعه کرده است.

بیشترین استفاده جزنائی در باب نخست از المسالک و الممالک^{۵۱} بکری و المقتبس فی اخبارالمغرب و فاس و الاندلس بُرُسی است^{۵۲}؛ بدیهی است اهمیت روایات بکری و برنسی به یک اندازه نیست. زیرا در حالی که امروزه قسمت‌هایی از المسالک الممالک بکری در اختیار داریم^{۵۳}، از المقتبس برنسی که فاس در آن موضوعیت داشته، اطلاعی در دست نیست. و به جهت حفظ قطعاتی از کتاب برنسی اهمیت دارد. الاستبصار^{۵۴}، تاریخ ابن غالب^{۵۵} و کتاب المدارک قاضی عیاض^{۵۶} از دیگر منابع مؤلف در این باب است.

در باب دوم باید به الانیس المطرب ابن ابی‌زرع که بیشترین بسامد مراجعه جزنائی را در تألیف کتاب به خود اختصاص داده^{۵۷} و المقیاس فی اخبار المغرب و فاس از وراق^{۵۸} و تاریخ فاس ابوالقاسم بن جُنُون اشاره کرد که کتاب اخیر تنها یک بار مورد استفاده جزنائی قرار گرفته است.^{۵۹}

تردید نباید کرد که اگر اطلاعات برگرفته از آثار مفقود پیشینیان در کتاب جزنائی این مایه اهمیت داشته باشد، استطرادات تاریخی و گزارش‌های مستقیم او از دوره‌ای که شخصاً می‌شناخته و با آنها در ارتباط بوده، اهمیت بیشتری دارد، از آن جمله است وصف مطالب برخی سنگ‌نوشته‌ها^{۶۰} و اقدامات فرهنگی - عمرانی امرای مرینی^{۶۱} و نیز احصای

دقیق مراکز تجاری، مهمان‌پذیرها، مساجد، دارالسنکه فاس در اواخر دوره موحدی که از مُشرف شهر نقل می‌کند.^{۶۲}

نتیجه‌گیری

اکنون به مددشناختی که از حیات جزنائی و اثر وی یافتیم، می‌توان برای تبیین بهتر جایگاه او در تاریخ‌نگاری مغرب آن را با روض القرطاس ابن ابی زرع مقایسه کرد. تشابه ظاهری و موضوعی دو کتاب چنین می‌نماید که جزنائی، اثر سلف خود ابن ابی‌زرع را تلخیص کرده باشد. نخستین بار آلفرد بل، در مقدمه‌ای که بر ترجمه فرانسه کتاب نگاشت، به سرقت‌های ادبی گسترده مؤلف جنی زهره‌الأس اشاره کرد.^{۶۳} ملاحظات پیشین در این تحقیق نیز صحت این گفته را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد روض القرطاس علاوه بر آن که مهمترین منبع جزنائی در تألیف کتاب بوده، گاه نیز فقراتی از آن را عیناً بدون ذکر منبع در کتاب خود آورده است. این در حالی است که برخلاف مؤلف روض القرطاس که در معرفی مآخذ خود تلاش چندانی نمی‌کند، جزنائی بر ذکر منابع مکتوب، مشاهدات و حتی راویان خود تأکید دارد.^{۶۴}

از این رو گذشته از اتقان روایات وی در مقایسه با ابن ابی‌زرع، در بازسازی تکامل تاریخ‌نگاری مغرب نیز راهگشا تواند بود. از سوی دیگر چنانکه پیش از این گفتیم، گستره اطلاعات و منابعی که جزنائی در اختیار داشته کمی بیشتر از ابن ابی زرع بوده است. به نظر می‌رسد جزنائی از منابع جغرافیایی، فقهی و تواریخ عمومی شرق جهان اسلام چون طبری و همه تک‌نگاری‌های فاس توانسته است به خوبی بهره‌گیرد، ولی ابن ابی‌زرع تنها به منابع مغربی و برخی نوشته‌های تاریخی فاس دسترسی داشته است. جزنائی موضوع خود را تنها به شکل‌گیری شهر فاس، ابنیه و توصیف جامع قرویین و اندلسیین پرداخته و ظاهراً به خاطر قتل نابهنگام ممدوح خود کتاب را در حجمی اندک و ناقص به پایان برده، اما ابن ابی‌زرع ضمن سخن از تاریخ فاس، همه حوادث سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مغرب اقصی را نیز باز گفته است.

یادداشت‌ها

۱- معنای لغوی عنوان کتاب چنین است: چیدن گلِ مورد درباب چگونگی ساختن شهر فاس.

۲- زیاده، افریقات، ۱۱۱-۱۱۳.

۳- حجی، ۷۷.

۴- برای اطلاع بیشتر از نواقص نسخه بل نک: همو، ۷۹/۱ و پس از آن.

۵- همو، ۷۷.

۶- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر، ۲/۲۶۹۶.

۷- ۲۵۵/۱.

۸- همو، ۲؛ و نیز برای اطلاعات او از وقف، ۷۵.

۹- مقدمه مصحح، د.

۱۰- منسوب به بنی یابان بن کرماط بن مرین از قبایل بنومرین.

۱۱- مونس، تاریخ المغرب و حضارته، ۳/۵۵.

۱۲- همو، ۳/۵۷-۵۶.

۱۳- جزئانی، ۱.

۱۴- همو، ۳.

۱۵- همو، ۱-۲.

۱۶- Schatzmiller, L'Historiographie Mérinide, ۲۶.

۱۷- همو، ۴-۴۰.

۱۸- همو، ۴۱-۹۸.

۱۹- همو، ۴-۸.

۲۰- نک: همو، ۲۴.

۲۱- همو، ۳۱.

۲۲- همو، ۳۰.

- ۳۳- نک : همو، ۲۹، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۵۲، ۵۳ و جم.
- ۲۴- همو، ۳۵-۳۷.
- ۲۵- همو، ۴۰-۴۲.
- ۲۶- همو، ۴۳.
- ۲۷- همو، ۴۶-۴۷.
- ۲۸- همو، ۶۹.
- ۲۹- همو، ۷۶؛ نیز برای تحلیل مطالب کتاب درباره کتابخانه قزوین نک : زیاده، ۱۱۲.
- ۳۰- همو، ۵۰، ۹۸.
- ۳۱- همو، ۴۹.
- ۳۲- همو، ۴۸.
- ۳۳- همو، ۴۹.
- ۳۳۴- به عنوان نمونه نک : همو، ۶۶.
- ۳۵- همو، ۹۸.
- ۳۶- همو، ۴۵-۹۲.
- ۳۷- همو، ۹۲-۹۶.
- ۳۸- همو، ۶۵.
- ۳۹- همو، مقدمه مصحح، ز.
- ۴۰- نک : همو، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۷۷ و جم.
- ۴۱- به عنوان نمونه نک : نقش طلسمات در جلوگیری از ورود حیوانات موذی به مسجد
۵۴، ۵۵؛ یا نظر او در باب جسد ادریس، ص ۱۵.
- ۴۲- همو، ۴۸-۵۰.
- ۴۳- ابن تاویت، ۵۶۲.
- ۴۴- جزنائی، ۴۸-۴۹.
- ۴۵- همو، ۵۰-۹۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

- ۴۶- ابن تاویت، ۵۶۱؛ برای اطلاع از اشعار نک : جزنائی، ۵۰، ۹۸.
 ۴۷- همو، ۵۵۹.
- ۴۸- همو، ۵۶۰؛ برای بررسی جایگاه ادبی کتاب و مؤلف نک : ابن تاویت، ۵۵۹-۵۶۴.
- ۴۹- به عنوان نمونه نک : جزنائی، شرح مؤطاً مالک از قابسی، ۷؛ ابن جلیجل، ۵؛ المقصد
 الاسنی غزالی، ۵۳؛ الکامل میرد، ۵۴.
- ۵۰- همو، ۱۰.
- ۵۱- همو، ۹، ۱۵، ۱۹، ۲۸، ۳۸، ۹۲.
- ۵۲- همو، ۵، ۱۳، ۴۶.
- ۵۳- کراچکوفسکی، ۲۸۹.
- ۵۴- جزنائی، ۲۴، ۳۸.
- ۵۵- همو، ۲۳، ۲۷.
- ۵۶- همو، ۲۲.
- ۵۷- همو، ۲۴، ۲۷، ۴۵، ۶۵-۶۸، ۸۰.
- ۵۸- همو، ۴۰، ۴۲، ۶۵، ۶۶.
- ۵۹- همو، ۴۵.
- ۶۰- همو، ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۶۶.
- ۶۱- همو، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۵۲، ۵۳ و جمعی.
- ۶۲- همو، ۴۴.
- ۶۳- ترجمه فرانسه کتاب، ص ۱۱ به نقل از : Schatzmiller, L'Historiographie
 Mérinide, ۲۸-۲۹.
- ۶۴- فس : ابن ابی زرع، ۸۹ یا جزنائی، ۵۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 تهران، جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- ابن ابی زرع، علی، الأنیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعة الملكية، ۱۹۹۹.
- ابن تاویت، محمد، الوافی بالأدب العربی فی المغرب الأقصى، بی جا، دارالثقافة، ۱۹۸۳.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و تاریخ المبتدأ و الخبر فی أيام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۰۳.
- ابن منصور، عبدالوهاب، مقدمه جنی زهرة الآس جزنائی، رباط، المطبعة الملكية، ۱۹۹۹.
- جزنائی، علی، جنی زهرة الآس فی بناء مدینه فاس، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط، المطبعة الملكية، ۱۹۹۱.
- سجی، محمد، جولات تاریخی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۵.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- زیاده، نقولا، افریقیات، دراسات فی المغرب العربی و السودان الغربی، لندن، ریاض الریس للکتب و النشر، ۱۹۹۱.
- سونس، حسین، تاریخ المغرب و حضارته، بیروت، العصر الحدیث للنشر و التوزیع، ۱۹۹۲.
- Shatzmiller, Maya, L'Historiographie Mérinide, Ibn Khaldun et Ses Contemporains, Leiden, Brill, ۱۹۸۲.